

بعد از گذشته پنج سال از صبوری با گرامی برنامه‌ی «ریاضیات و کاربردها» و آزردگی خاطر خیلی از اهالی ریاضیات با حکایت‌های علمی و انسانی آن برنامه و برنامه‌ریزی و انعکاس مکرر شکواییه‌های متعددی در این باره به مراجع رسمی، انتظار می‌رفت تا شاید در این مصوبه‌های جدید که به این بحث هم مربوط‌اند، نشانی از شنیدن گلایه‌های بخشی از رعایای ریاضیات کشور هم دیده شود؟ اما این انتظار خوش فرجامی نبود!



«بخشنامه اجرایی در خصوص تفویض اختیار به دانشگاهها» با تاریخ سربرگ ۹۴/۲/۱۴ با امضای معاون آموزشی وزارت در واقع شیوه‌نامه‌ای برای «بازنگری و تدوین برنامه‌های (جدید) درسی دانشگاهی» است. در عین حال این بخشنامه تجدید نظری در مواد و راهکارهای مطرح شده در آیینه‌نامه «واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاهها» مصوب ۹۴/۲/۱۰ نیز هست. این مصوبه اخیر، به رغم نام و عنوان جذابش در لفظ «واگذاری اختیارات»، با گذشت قریب ۱۵ سال از ابلاغ، هیچ گاه پشتوانه اختیارات آموزشی در دانشگاهها قرار نگرفت و حتی به تدریج فراموش هم شد.

این فراموشی و بهره نبردن از فرصت‌های اختیار و استقلال موجود در آن آیین‌نامه چند دلیل داشت که درک آن برای فهم شرایط قانونی تاره در موضوع برنامه‌ریزی درسی به پشتونه حقوق ناشی از دلالات غیره جدلاً مفاد است:

یکی از دلایل آن بود که مدیران و مجموعه نظام مدیریت
دانشگاهها چنین بلوغ اختیاری را تشویق و حمایت نمی‌کردند. این
حروف یعنی اغلب مدیران دانشگاهی بنا بر محافظه‌کاری‌های رایج،
تمایل نداشتند به چنین رویکردهایی در استقلال و مسئولیت‌پذیری
گروه‌های علمی میدان دهنده و عموماً می‌خواستند که برنامه‌های
آموزشی ابلاغ شده از طرف وزارت، دقیقاً به همان شکل ابلاغ
شوند. گروههای آموخته به احاجاد آنند. یک تفسیر این سخن:

مقالہ سر

برنامه‌ریزی درسی و ابلاغیه جدید

مسعود آرین نژاد *

مدخل. اجتهاد و استقلال در برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، یکی از ممیزات دانشگاه‌های صاحب شأن و رتبه در جهان علمی امروز است. پس از آن، مرحله توأم بعده برنامه‌ریزی‌ها و تدبیرهای مستقل پژوهشی و فناوری و به‌طور کلی راهبردهای اندیشگی و خلاقیت است. تا وقتی که برای هر مسئله آموزشی و پژوهشی خرد و کلانی، هر گونه تشخیص و تمییزی در دانشگاه‌های ما در انتظار و معطل رأی و تصمیم مدیران ستادهای تصمیم‌گیر وزارت متبع باشد انتظار بر و مندی و بلوغ فکری و روحی و مسئولیت‌پذیری چندانی از این حوزه نمی‌توان داشت و تا دانشگاه‌ها در سمت و سوی مسئولیت‌پذیری‌های متنوع و آزمون بهره‌وری‌های سخت تنانع بقای علمی قرار نگیرند و فقط به انجام تکلیف‌های رفع تکلیفی خود مشغول و سرگرم باشند قصه در دنای ابتری و ناکارآمدی علم و دانش و پژوهش و دانشگر و پژوهشگر در این کشور همین است که هست.

حال اگر این، مقدمه قابل تأملی برای یک بحث و گفتگوی دانشگاهی باشد پلے بعدی جستجوی پاسخی برای این پرسش نهادی است که در این صورت لوازم بازی و آداب بازیگری در این میدان بزرگتر و واقعی‌تر دانشگری چیست؟ پیوسته‌های سلبی و ایجابی این هدف‌گذاری شناور و مواج چیست؟ این‌ها از گونه پرسش‌هایی نیستند که پاسخ‌های مُقطع ساده‌ای دامن بحث و جدلشان را پایان بخشد. در این نوشته به حاشیه خردی از این بحث پر از جنبه و جهت می‌پردازیم و دو ابلاغیه جدیدی را که با مضمون برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و ارتباط آن با استقلال علمی و آموزشی دانشگاه‌ها در طول تابستان از طرف وزارت علوم صادر گشته‌اند به اجمال بررسی می‌کنیم.

در عالم جبر و اختیار

حوزه معاونت آموزشی وزارت علوم در طول تابستان ۹۴ دو مصوبه جدید درباره برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها ابلاغ کرد یکی با عنوان «بخشنامه اجرایی در خصوص تفویض اختیار به دانشگاه‌ها» و دیگری «چارچوب تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی». تأملی کوتاه در مفاد و محتوای این دو سند، موضوع و محتوای این نوشته است.

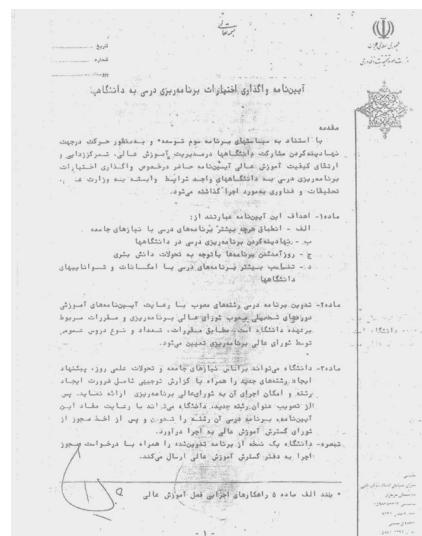
نخست بینیم این دو مصوبه از چه جهتی ممکن است برای جامعه دانشگاهی، یا ضیافت حالت باشند؟ است این است که

برسد (و چنین کاری مشکلات و موانع بروکاریک خود را داشت)، دانشگاه‌های صاحب هیأت ممیزه در پیرایش و اصلاح برنامه‌های مصوب موجود، صاحب اختیارات نسبتاً خوبی بودند در حالی که اغلب نه از آن خبری داشتند و نه اصلاً جسارت تجدیدنظر در برنامه‌ها را به اقتضای این اختیارات داشتند (به جز استثناهای بسیار معده‌دی). به این ترتیب حتی دانشگاه‌های پرسابقه هم توانستند از فضای قانونی مثبت موجود در مواد آن آیین‌نامه برای اصلاح برنامه‌های مورد انتقاد استفاده کنند چه برسد به تأسیس و تدوین برنامه‌های درسی رشته‌های پیشه‌های جدید. مثلاً وقتی که برنامه «ریاضیات و کاربردها» به شکل غافلگیرکننده‌ای در شهریورماه ۱۳۸۹ ابلاغ شد تا همه دانشگاه‌ها بی‌چک و چانه آن را اجرا کنند و به علاوه برای تمام دانشجویانی که از تاریخ تصویب برنامه (۸۸/۲/۲۶) یعنی ۱۶ ماه پیش از آن وارد دانشگاه‌ها شده‌اند نیز برنامه اجرا گردد (!!) تمامی دانشگاه‌ها (به جز دانشگاه صنعتی شریف که از قضای جالب و عبرت آموز روزگار خود دو نماینده در کمیته برنامه‌ریزی علوم ریاضی مبدع برنامه جدید داشت) به تکلیف بلاستنا و بی‌اعطاف متن ابلاغیه تن در دادند و برنامه را بدون چون و چرا و بدون هر گونه ویرایش و اصلاحی اجرا کردند (به استثنای چند دانشگاه مانند کرمان، شیراز و رفسنجان که تغییرات اندکی در برنامه ایجاد کردند).

حال اتفاقی که در بخش‌نامه جدید با نام «بخشنامه اجرایی در خصوص تفویض اختیار به دانشگاه‌ها» رخ داده این است که در محله نخست، حقوق تصریح شده در «آیین‌نامه واگذاری اختیارات» که مطابق ماده ۴ اخیر الذکر به همه دانشگاه‌های صاحب هیأت ممیزه تعلق می‌گرفت از همه این دانشگاه‌ها سلب شده است! در مرحله بعدی همین حقوق به علاوه اختیار کامل برنامه‌ریزی درسی رشته‌های جدید (بدون نیاز به تأیید و تصویب در شورای عالی برنامه‌ریزی درسی) فقط به تعدادی از دانشگاه‌های بزرگ و قدیمی با نام گروه یک^۱، تخصیص داده است.

بندهای ۱ و ۴ بخش‌نامه اخیر چنین تصریحی دارند:
 ۱. بازنگری برنامه‌های درسی موجود در مؤسسه‌های آموزش عالی بر عهده هر یک از دانشگاه‌های گروه یک خواهد بود». و «۴. در خصوص تدوین برنامه‌های درسی جدید هر یک از دانشگاه‌های گروه یک لازم است پیشنهاد خود را یک نسخه از برنامه تدوین شده را جهت اطلاع و بهره‌برداری سایر مؤسسه‌ها به دبیرخانه شورا ارسال نماید». بنا به بند شماره ۵ این بخش‌نامه «سایر دانشگاه‌ها موظف‌اند در اجرای تمام برنامه‌های درسی از یکی از دانشگاه‌های گروه یک اقتباس نمایند. در صورتی که برنامه درسی

این است که سازوکارهای نظام مدیریت دانشگاه‌ها اغلب خود از بلوغ سازمانی کافی برای فهم و بهره‌برداری از اختیارات تصریح شده در آن آیین‌نامه برخوردار نبودند. به طور مثال برنامه‌های دانشگاه‌ها اصولاً رویه و روالی برای اصلاح یا ویرایش برنامه‌های آموزشی قدیمی و سنتی خود نداشتند و ندارند. باید بر این شکایت، بی‌رغبتی اعضای هیأت علمی را هم افزود که اغلب سود و زیان پیگیری‌ها و درگیری‌های این گونه خواسته‌ها را مثبت تلقی نمی‌کردند و مآل اندیش و لاجرم و مظلوم، اغلب تنها به بقای خود در مجموعه نظام آموزش عالی اندیشیده‌اند.



دلیل دیگر برای عدم اجرای مفاد آیین‌نامه «واگذاری اختیارات»، تصمیم‌های تکلیفی جدید وزارت در حوزه آموزشی بود که به طور کلی با روح مثبت آیین‌نامه مذکور در تلاقی بود. به عبارت دیگر ستادهای متتمرکز برنامه‌ریزی آموزشی وزارت، خود تمایلی نداشتند که چنین رویکردهایی از استقلال دانشگاه‌ها را میدانند. ماده ۴ از آیین‌نامه واگذاری اختیارات (مصوب ۷۹) که با بخش‌نامه جدید تقریباً منسوخ شده است و در دانشگاه‌ها اغلب به چیزی گرفته نشد چنین تصریحی داشت:

(دانشگاه (صاحب هیأت ممیزه) می‌تواند در چهارچوب آیین‌نامه‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی (وزارت‌خانه) نسبت به بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود در آن دانشگاه اقدام کند». تبصره ذیل این ماده فقط درخواست می‌کند تا «نسخه‌ای از برنامه اصلاح شده برای اطلاع به دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی ارسال شود»).

در این آیین‌نامه به جز موضع «تدوین برنامه‌های درسی رشته‌های جدید»، که بنا به ماده ۳ آن هر چنین برنامه‌ای قبل از تأسیس و اجرا باید به تصویب شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم

^۱ این دانشگاه‌ها به نحوی که در سایت حوزه معاونت آموزشی وزارت آمده عبارتند از: اصفهان، تبریز، تربیت مدرس، تهران، شهید بهشتی، شیراز، صنعتی امیرکبیر، صنعتی اصفهان، صنعتی شریف، مشهد.
<http://www.msrt.ir/fa/news/Page>

بهتر دروس تخصصی ارائه می‌شود».

چرا مثبت است؟

هر چند این دو مصوبه هیچ ارجاعی به هم ندارند اما چنانچه پیداست مکمل هم در امر تدوین یا بازنگری برنامه‌های درسی هستند. این دو مصوبه مثبت هستند زیرا برای اولین بار بدون ملاحظه هیچ شرط بروکراتیک (ممولاً بیچاره کننده‌ای!) اختیار تام و نهایی دو رویکرد مهم آموزشی یعنی بازنگری برنامه‌های موجود و تدوین برنامه‌های جدید آموزشی به تعدادی از دانشگاه‌ها سپرده شده است. موضوع سلب حقوق سایر دانشگاه‌ها هم (از این جهت) بنا به موانعی که در تمام این سال‌ها برای تحقق آن موجود بود و هم‌چنان هم هست (همان طور که در بالا شمردیم) خیلی جدی نیست و موجب از دست رفتن حرمت و حیثیت کسی و دانشگاهی نمی‌شود چرا که قریب به اتفاق این دسته از دانشگاه‌ها (صاحب هیأت ممیزه) تا به حال اعتمایی به چنین حقوقی نداشتند هر چند و بدون تردید، البته صحیح‌تر آن بود که این حد از اختیار تصمیم‌گیری در برنامه‌های آموزشی از دانشگاه‌های صاحب هیأت ممیزه سلب نمی‌شد.

هم‌اکنون و در این شرایط، چنانچه دانشگاه‌های خوشبخت گروه یک (!) مسئولیت خود را در برابر این آزمون مهم مسئولیت‌پذیری آموزشی جدی بگیرند به ویژه با توجه به این که قرار است از طرف مابقی دانشگاه‌ها مورد تأسی قرار بگیرند حتیً این تجربه مبنایی را برای توسعه دامنه اختیارات و تصمیم‌گیری‌های مستقل آموزشی به تعداد بیشتری از دانشگاه‌ها خواهد گشود.

چند ایراد شکلی و محتوایی

۱. بند شماره ۵ از «بخشنامه اجرایی» اخیر به نحوی که در فوق نیز آمد بدين قرار است: «سایر دانشگاه‌ها موظف‌اند در اجرای تمام برنامه‌های درسی از یکی از دانشگاه‌های گروه یک اقتباس نمایند».
- حال باید توجه کرد که هر گاه دانشگاهی (غیر از گروه یک) بخواهد مثلاً از برنامه ریاضی فلان دانشگاه گروه یک تبعیت کند در این صورت محول کردن اجرای این خواست به همه یا هیچ، برای «تمام برنامه‌های درسی» دانشگاه مقصد، به نحوی که ظاهراً انشای این بند اشاره می‌کند، اصلاً میسر نیست چرا که هیچ دلیلی ندارد مثلاً بخش فیزیک یا برق دانشگاه مبدأ تمایلی به اجرای برنامه درسی بخش فیزیک یا برق دانشگاه مقصد داشته باشد. پس پیداست که سه‌هی در انشای این بند صورت گرفته که باید رفع گردد چه در غیر این صورت، برای سایر دانشگاه‌ها دو ابلاغیه جدید نشانه و زش هیچ نسیمی هم نیست!

مورد درخواست در مجموعه برنامه‌های مصوب دانشگاه‌های گروه یک وجود نداشته باشد لازم است برنامه پیشنهادی خود را برای بررسی و تصویب به دبیرخانه شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی ارسال نمایند».

به رغم سلب حقوقی که از دانشگاه‌های صاحب هیأت ممیزه در لفاف انشای این بخش‌نامه صورت گرفته است و ای کاش چنین نمی‌شد، به نحوی که شرح داده خواهد شد در مجموع می‌توان مفاد این بخش‌نامه را کامی به جلو دانست.



ابlaghieh مهیم دوم «چارچوب تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی» است که در مورخه ۱۶/۰۲/۹۴ به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی درسی رسیده و با امضای وزیر محترم علوم در همین تابستان به دانشگاه‌ها ابلاغ گشته است. محتوا و مواد «چارچوب» شامل قواعد و ضوابطی است که بنا به مقدمه آن «برای تسهیل در امر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و یکسان‌سازی ساختار کلی و شکلی برنامه‌های درسی تدوین و بازنگری شده دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور ...». باید رعایت شوند.

در «چارچوب»، ساختار کلی تدوین یا بازنگری هر برنامه درسی از جهت تعریف و تعداد واحدهای دروس عمومی، دروس پایه، دروس تخصصی، اختیاری و پایان‌نامه برای هر پنج دوره کارشناسی، کارشناسی ناپیوسته، کارشناسی پیوسته، کارشناسی ارشد و دکتری در دامنه‌های عددی قابل قبولی تعیین شده‌اند. مثلاً برای دوره کارشناسی پیوسته ۲۲ واحد دروس عمومی، ۳۰ - ۲۰ واحد دروس پایه، ۸۸ - ۷۸ واحد دروس تخصصی و ۲۰ - ۱۰ واحد دروس اختیاری و ۳ - ۰ واحد پژوهش یا رساله پایان‌نامه با مجموع ۱۴۰ - ۱۳۰ واحد تعیین شده است. هر یک از عنوانین اخیر نیز به اجمال در ماده ۱ «چارچوب» تعریف شده‌اند، به طور مثال: «دروس پایه درس‌هایی است که دانشجو ملزم به انتخاب آن‌ها است و با هدف افزایش بنیه علمی و آماده کردن دانشجو برای درک

قطعی مصاديق گروه یک، صرفاً به تعیین نوع صلاحیت‌هایی برای مجموعه دانشگاه‌ها یا بخش‌های تخصصی یک دانشگاه می‌پرداخت که هر دانشگاه یا بخشی بتواند دورنمایی از زمان و موقعیت وصول به مرحله اختیار و استقلال در برنامه‌ریزی درسی را برای خود ترسیم کند روش سازنده‌تری را برگزیده بود. به طور مثال دانشگاه‌هایی که بیش از سی سال صاحب هیأت ممیزه بوده‌اند و واحد آموزشی متقارضی بازنگری یا تدوین برنامه جدید درسی بیش از بیست سال سابقه آموزشی مستقیم داشته باشد یا مثلاً بخش‌های تخصصی مربوطه، به غیر از سابقه، در ترکیب خود چه تعداد دانشیار و استاد داشته باشد و از این قبیل شرایط که همگی مفاهیم و رویکردهای آشنایی در ادبیات و نگاه وزارت علوم هستند.

گریزی به گذشته و حال

البته حرف اصلی منتقدین برنامه «ریاضیات و کاربردها» در اعتراض به قالب ۳ واحدی برنامه جدید، تراکم آموزشی موجود در این برنامه بود. به شرحی که بارها شفاهی و مکتب گفته و نوشته شد مناسب نبودن این گونه قالب‌بندی درسی و آموزشی در نسبت آن با محتوای رشته ریاضیات، لائق در مقطع تاریخی و ملی جاری کشور ما، چیزی که متأسفانه هیچ‌گاه مورد توجه و تأمل کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی قرار نگرفت. حال با جدولی که در بند ۲ فوق شرح داده شد، پیداست که در این دو مصوبه جدید هم به آن شکایت‌هایی که چند بار به مراجع متعدد شورای گسترش تسلیم گشت توجهی نشده است و این البته جای حمد و سپاس فراوان دارد!

اما چیز خیلی جالبی که لابد تصادفی رخداده این است که اعضای کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی همیشه در مقابل انتقادهای وسیعی که نسبت به ۳ واحدی کردن دروس جدید به ایشان می‌شد در نهایت عذر تقدیم کردند که محدوده برنامه‌ریزی درسی را حداقل ۳ واحد اعلام کرده است. وجود چنین جدولی می‌تواند پیشوانه استدلای مناسبی برای استناد مصوبات پیشینی کمیته مزبور به مصوبات و ابلاغیه‌های پسینی وزارت متبوع فراهم آورد که از هر نظر خوب و موجه است! فی الواقع این جدول درست مثل تله ایست که با بی‌توجهی کامل و کافی (!) به محورهای اصلی انتقادی وارد به برنامه ریاضیات و کاربردها، به طور کاملاً تصادفی در مکان و موضع کاملاً مناسبی تعییه شده است تا دلایل هر چه بیشتری را برای شکر و حمد و سپاس و سرمه زیری ریاضی مردمان عوام و رعایای زحمت کش ریاضیات کشور، نسبت به همه چیز و همه کس فراهم آورد، الحمد لله رب العالمین!

* سردبیر

جدول شماره ۴: عنوان و مشخصات دروس

عنوان درس	تعداد واحد	تعداد جلسات	نوع واحد درسی		تعداد ساعت (۲۲ تا ۱۶)	پیش‌نیاز
			نظاری	علمی		

۲. یک ایراد مهم و محتوایی در متن «چارچوب»، جدول شماره ۲ ذیل فصل دوم از ماده ۲ آن است. در این جدول تعداد واحدهای درسی جدید قابل تعریف برای هر یک از عنوانین درسی به نحو غافلگیرکننده‌ای برابر یک تا سه (۳ - ۱) واحد تعیین گردیده است. با این جدول، عملًا حق و صلاحیت تشخیص و تعیین تعداد واحدهای هر عنوان درسی در دامنه اختیارات دانشگاه‌های گروه یک نیز قرار نخواهد داشت! اما این چیزی است که قاعده‌تا با صلاحیدهای تخصصی و تجربی هر حوزه‌ای در دامنه‌ای ازعرف‌های ملی و بین‌المللی در خود بخش‌های تخصصی به نحو مطلوب‌تر و موجه‌تری قابل انجام است. اصلاً این تفسیر خوبی نیست که گمان شود بخش‌های تخصصی واستادان کارکشته یک رشته (آنهم در محدود دانشگاه‌های گل سرسید کشور به انتخاب وزارت علوم) صلاحیت تشخیص و تعیین تعداد واحدهای درسی دروس تخصصی مورد تدوین با بازنگری خود را ندارند ولی مدیریت‌های اداری مسلک مستقر در وزارت متبع، چنین نوعی از صلاحیدهای مطلقًا علمی و تخصصی را بهتر می‌دانند! حال تنها توجیهی که از مؤیدین یا طراحان این جدول شنیده می‌شود (از جمله از جانب برخی از اعضای عالی مقام کمیته محترم برنامه‌ریزی علوم ریاضی) این است که ۴ واحد آموزشی با تفکیک دو جلسه دو ساعته، بهره‌وری آموزشی کافی ندارد و بهتر است جلسه‌های تدریس کوتاه‌تر باشند مثلاً ۸۰ دقیقه (به ازای هر دو جلسه ۱/۵ ساعته متناظر با ۳ واحد درسی!). در پاسخ به این ایراد باید نخست گفت که صرف قیاس به نفس و تجربه تصمیم‌گیران، برای چنین تصمیمی، رویکرد سازنده‌ای نیست. با این توجیه خوب می‌بود که دروس ۲ واحدی نیز در متن «چارچوب» ممنوع می‌شدند که البته شدنی نیست.

علاوه بر این، مؤیدین جدول ۲ اظهار می‌کنند که چون همه گروههای فنی مهندسی برنامه‌های درسی خود را به صورت ۳ واحدی تنظیم کرده‌اند بهتر است رشته‌های علوم پایه و ریاضیات هم چنین کنند! این استدلال ضعیف پاسخی جز این ندارد که ویژگی‌های هر رشته برای خود محفوظ و محترم است! این نوعی از مقایسه‌هایی است که اصالت، شأن و تجربه متخصصین هر رشته‌ای را در مقایسه‌های بی‌مورد و بی‌تناسب مخدوش می‌سازد.

۳. ایراد مهمی که به «بخشنامه اجرایی ...» می‌توان گرفت محدود کردن و منحصر کردن دامنه دانشگاه‌های گروه یک است. این هم جالب توجه است که با شرایط فعلی هر بخش تازه تأسیسی در دانشگاه‌های گروه یک، اختیار برنامه‌ریزی خواهند داشت که صحیح نیست. به نظر می‌رسد که اگر این بخشنامه بدون تعیین